

ارشاد نبوی (ﷺ)
آموختن علم بر هر
مرد وزن مسلمان فرض
است.

(رواه مسلم)

د افغان نشراتی مرکز خپرونه

فرمان الله ﷻ
بخوان وپروردگار تو
بزرگوارتر است آنکه علم
آموخت به وسیله قلم.
(العلق - آیات ۳-۴)

۱۵ رمضان المبارک ۱۴۲۲ هـ ق ۳۰ نومبر ۲۰۰۱

جمعه ۹ قوس ۱۳۸۰ هـ ش

سال دوم شماره چهارم مسلسل ۲۸

پېښور نومبر ۲۵: درنو لوستونکو مور د هیواد روان ناورین اویجرانی حالت
د څیړنې له امله د هیواد له پیاوړی لیکوال او نومیالی ځوان استاد محمد
اصف صمیم سره یوه تحلیلی مرکه کړې چې د دې د مرګې متن ستاسې مخې
ته ردو:

درېم مخ

د هیواد پیاوړی لیکوال استاد محمد اصف صمیم:

څوک چې د بل په اوزو واکمن شي
دهغه په لږته به هم له منځه ځي



دهیواد د شمال
اوجنوب ارمان
ډیرو له ځان
سره خاورو ته
وړي دی



کانفرانس بن گشایش یافت

طی اولین نشست جناح های افغانی به توافقات مهمی دست یافتند

وزیر امور خارجه المان آقای یوشکافیشر آغاز شد، آقای اخضر
ابراهیمی پیام کوفی عنان سرمشی سازمان ملل را قرائت کرد
در پیام آمده است که افغانستان نباید چون سالهای ۱۹۹۲ تنها
گذاشته شود، افغانها از فرصت مناسبی که بدست آورده اند باید
استفاده عظمی نمایند.

سپس رئیس هبات جبهه متحد آقای یونس قانونی طی
«ص ۸»

کنفرانس بن بخاطر دست یابی به یک راه حل معقول برای
بحران افغانستان بعد از ظهر روز سه شنبه به دعوت سازمان ملل
متحد در شهر بن کشور آلمان آغاز بکار کرد.
درین کنفرانس از چهار گروه افغانی (نماینده گان جبهه متحد،
پروسه های روم و قبرس و همچنان سازمان صلح و وحدت ملی)
جمعاً سی نماینده شرکت جستند.
خبر می افزاید بعد از آنکه کار کنفرانس با بیانیه افتتاحیه

دمزار شریف په قلعہ جنگی کی:

۵۰۰ تنه جنگی اسیران د بغاوت په پلمه ووزل شول

۱۴۰۰۰ تنه طالبان د کندز له
سقوط نه وروسته تسلیم شول

دمزار شریف د نومبر ۲۷: هغه ۵۰۰ تنه جنگی اسیران په کندهار کی جنرال
رشید دوستم ته د تسلیمیدو وروسته دمزار شریف په قلعہ جنگی کی بندی
ساتل شوی و چی د بغاوت کولو په نامه د امریکائی پوځونو اوځانی ملیشو له
خواه منځه یوړل شول.

خبرځایونه وائی: له تیرو دری ورځو راهیسی دغو جنگی اسیرانو چی گڼ
شمیر ئی بهرنی طالب پلویان و په قلعہ جنگی کی پر څارونکو امنیتي پوځیانو
حمله وکړه له هغوی نه یی وسله ترلاسه کړی او په بلوائی لاس پوری کړ.

ځانی چارواکو د احم ویلی چی دوی په هیڅ صورت غاړه نه کیښوده چی له
بلوانه لاس واخلی نو موږ وکړای شول په دری ورځو کی هغوی په بشپړه توگه
له منځه یوسو چی مری یی تراوسه په قلعہ جنگی کی پراته دی.

پوځی ماهران وائی: کیدای شی دی اسیران په قلعہ جنگی کی پرکومه
«ص ۸»

د کندهار په شاوخواکی:

تودی جگړی اوسخت مقاومت روان دی

گڼ شمیر امریکائی پوځونه د
کندهار ښار ته څیر مه ښکته شویدی

کندهار د نومبر ۲۸: د کندهار پر ښار د امریکائی الوتکو سخته بمباری
«ص ۶»

جدایی احزاب عوامی

نیشنل پارتی و اتحاد

احیای دیموکراسی

صوابی: بروز مخالفان دربارۀ
قضایای افغانستان باعث جدائی
سیاسی نیشنل عوامی پارتی و اتحاد
احیای دیموکراسی، در پاکستان شد.

د راطلاعه ایکه در این باره صادر
شد رئیس مرکزی ANP اسفند یار ولی
خان و رئیس منطقوی آن بیگم نسیم ولی
خان گفتند که حزب ایشان با حزب
ARD بنا بر پرنسپ و موقف آنها
در مورد قضایای افغانستان از همدیگر
فاصله گرفتند.

شاغلی اسفند یار ولی اظهار داشت
که «اتحاد» در قبال قضایای افغانستان
از احزاب مذهبی پاکستان طرفداری می کردند.
نامبرده در مورد تماس با احزاب
طرفدار حکومت گفت که لیدر شپ حزب
وی تا ایندم چنین تماسی نداشته است.
«ص ۸»

گزارش مختصر و چشمدیدی از شهر کابل

قسمت اول: (ن - ع)

ویران، همه و همه محلات معاملات تجارتي و داد و ستد روزمره

تحولات اخیر در شهر کابل یک بار دیگر
امید واری های را به وجود آورده است

هزاران تن از شهریان کابل است که با جوش و خروش زاید الوصفی به
کار و معاملات عادی و روز مره شان می پردازند.

دقیقاً ساعت ۱۰ قبل
از ظهر شنبه ۲۵ عقرب ۱۳۸۰ هـ
ش مطابق ۱۶ نومبر ۲۰۰۱ م است
جنب و جوش گسترده ای باز هم
شهریان کابل و حومه آنرا فرا گرفته
بازار های پرازدحام مندوی کابل،
سرای شاهزاده (مارکیت تبادلۀ
اسعار) و مارکیت های دور

دملگرو ملتونو
سرمشی ته
پرانستی لیک
(ص ۴)

ضدیت
کورکورانه با
امریکا
(ص ۱۲)

تبصره این شماره

مبصر: ظ «افغان»

در حاشیه کنفرانس بن



اراده

د تاسیس کال: ۱۳۷۹ هـ ش

او نیزه خپلواکه تحلیلی خپرونه

دامتیا خاوند: افغان انشرا تی مرکز

مؤسس: سید داؤد

مسوول مدیر: عتیق الله پژواک

معاون: میاگل اروال

سکرتر مسوول ظهور «افغان»

پست بکس «۹۰۹» یو نیورستی ټاون، پېښور

تېلفون: (۰۱۶۹۱)، فکس: ۸۴۱۷۸۵

بنام خداوند بخشنده و مهربان

سرمقاله



مسئله تاجک و پشتون و.... در ادبیات

وقاموس های سیاسی کشورهای همسایه

قبل از همه باید متذکر شد که مداخلات کشورهای همسایه و غیر همسایه و حتی ممالک دور دست ذی نفع و ذی دخل در کشور ما که در فامول ۶+۲ یاد راثر غفلت و یا قصد او یاد راثر برخی از ملحوظات دیگر معلوم و نامعلوم سیاسی و شاید هم شخصی طراحان اصلی آن، نادیده گرفته شده و از قلم افتاده است. هنوز هم با وجود حملات سنگین و وسیع امریکا و متحدین آن بر کشور فقیر و جنگزده و نیز قبایل ویران شده ما نه تنها از بین نرفته است، بلکه اگر ادعا کنیم که خلاف توقع جهانیان، به مراتب اضافه تر هم شده است، به خطانرفته خواهیم بود، به این معنی که کشورهای مداخله کننده، آنچه را قبلاً بنابر ملحوظات شناخته شده در لفافه و تاحدی غیر مستقیم عنوان میکردند اینک علنی تر و جسورانه تر و مستقیم، بیان می دارند که از آن جمله است عنوان کردن پشتون و تاجک، ازبک و هزاره و.... انهم به نحوی و سیاقی که از آن بوی نفاق و شقاق به مشاء میرسد، نه چیز دیگری.

جای شک نیست که کشور ما، مانند اکثر کشورهای دیگر، مملکتیست کثیرالاقوام که در طول تاریخ باستانی خود، خاصاً هنگام تجاوزات خارجی که بنابر موقعیت جغرافیائی و ستراتیژیکی خود از قدیم تا ایندم به کرات به وقوع پیوسته است، بصورت عام و تام، در پهلوی همدگر ایستاده و برای تأمین حال و آینده خود، به خوبی مقابله و مجاهده کرده اند که حمله مسلحانه اتحاد جماهیر شوروی آنوقت و جنگ نابرابر و تحمیلی آن ابر قدرت دیروزی و جهاد مقدس و قیام عمومی زن و مرد، پیر و جوان جمیع اقوام و قبایل به شمول هندوهای افغان، باداس و تیر و چوب و جمناق، یکی از شهود زنده آنست که همه شاهد و ناظر آن بودیم، اینکه بعد از اخراج عساکر روس و رجعت به کابل مجاهدین ما به چه علت با علل بجان هم افتادند، البته اظهار همین الشمن است که بدون شک داغ سیاه دیگر بست بر صفحه تاریخ عمومی کشور ما و نیز تاریخچه ارتباطات سیاسی افغانستان با ممالک همجوار مسلمان ما.

به هر صورت، چنانچه گفته آمدیم اینکه همین همسایگان ما، بار دیگر در صدد برآمدند که با سوء استفاده مزید از واقعات دلخراش ۱۱ سپتمبر در امریکا و تشکیل اتحاد جهانی و اعلان جنگ با تروریسم بین المللی و آغاز داد و ستد های جدید سیاسی و اقتصادی با امریکا و متحدین ثروت مند آن نه تنها مسئله پشتون و تاجک و سایر اقوام و قبایل مارا خود مطرح کنند بلکه آنرا به خود امریکا و سایر اعضای این اتحاد جهانی که خود هم تقبلاً در آن شریک شده اند، بدهند و در سایه کدر و شوم این تقلبات سیاسی بر مبالغ احمق پولی ای که از جوانب مقابل و خوش باور یا عجالتاً محتاج خود بدست می آورند بیفزایند و ازین داد و ستد نرا دانه سیاسی و نظامی توشه و خوشه ای به دامن پریشان حرص و آرزویش بریزند و بگویند که اتحاد شمال معجون مرکبی است از اقوام و قبایل غیر پشتون و حرکت اسلامی طالبان ترکیبی است محض از پشتون ها و.... اینجا که ظواهر ادعای شان تاحدی درست می نماید اما از وجود شاغلی سیاف که خود رهبر یک تنظیم جداگانه سیاسی نظامیست و شاغلی حاجی عبدالقدیر والی سابق و موجوده ننگرهار که از رجال یک تنظیم جهادی دیگرست و تعدادی از قوماندان های دیگر پشتون از ولایات دیگر ننگرهار بزرگ که تا دیروز با طالبان به نفع اتحاد شمال در زد و خورد بودند و پشتون های ولایات شمال افغانستان و قوماندانان برجسته ایشان و همچنان از وجود تعدادی از علمای دینی ولایات شمال و وجود شاغلی اکبری در تحریک طالبان همچنان تعدادی از مامورین عالی رتبه اتحاد شمال که ذکر نام همه باعث اطناب کلام می شود، به کلی انکار می ورزند، دست اندر کاران کشورهای مغرور و یا ملحوظات دیگر سیاسی و خاصاً نظامی به این اراجیف سیاسی گوش میدهند.

مثلاً قبل از حملات امریکا بر افغانستان بعضی از همین همسایگان بنام اینکه طالبان افغانستان پشتون هستند، از دل و جان به کمک آنها می پرداخت تا به هبوطان خود، بپهوده، بجنگند و ایشان را منحنی نمایند گان همه پشتون های افغانستان، محسوب می داشتند، اما بعد از واقعات ۱۱ سپتمبر که منجر به حملات امریکا بر افغانستان شد، اصطلاح طالبان اعتدال پسند و مادریت را از یک سو و طالبان افراطی را از سوی دیگر ابتکار و جعل کردند و حتی آنرا به خورد مقام اول و وزارت خارجه امریکا در سفر اخیر وی به این منطقه دادند که به اصطلاح برادران

«ص۷»

«آینده صلح در افغانستان بدستان شماست، شما مسوولیت عظیم و فوق العاده بی در برابر مردم و کشور تان بدوش دارید، مردم افغانستان در انتظار صلح و ثبات اند، شما باید به سازش واقعی و تاریخی ای دست یابید که با استفاده از این فرصت عظیم برای کشور زخم خودره تان آینده بهتری را فراهم آورید»

در این جملات ایراد شده از سوی آقای یوشکافیشر وزیر خارجه آلمان خطاب به اشتراک کننده گان افغانی کنفرانس سازمان ملل متحد برای آینده سیاسی افغانستان منعقد بن آرزو ناله ملیونها افغان تشنه صلح و امنیت در افغانستان نهفته بود که متأسفانه در این کنفرانس نماینده گان واقعی شان کمتر حضور یافته اند.

اگر تلاش های سریع سازمان ملل متحد را در برپایی این کنفرانس بخاطر همپا شدن با تحولات شتابان نظامی در افغانستان در رابطه با عدم حضور نماینده گان واقعی مردم افغانستان موجه بپنداریم و دعوت جناح های حاضر راهم گام مصلحت آمیز دیگری از سوی آن سازمان برای راضی نگه داشتن کشورهای ذیدخل و ذینفع در قضایای افغانستان با در نظر داشت این حقیقت ناگوار که از نیروهای طرفدار صلح و دموکراسی و همچنان نماینده گان قشر زن که با راضی همه مصایب رادر طول این همه سال به دوش کشیده اند و افزون بر نیمی از نفوس کشور افغانها را متشکل اند در شمار و کنار تصمیم گیرنده گان روی ساختار سیاسی آینده کشور جاندارند، حساب کنیم با آنهم می شود که کنفرانس بن را آغاز امیدوار کننده و نوید بخشی برای یک تفاهم بزرگ افغانی در آینده پذیرفت.

گنهگار ملت!

ندا محمد قاضی

روایم گنه وایم

خیر داوود خان ته هم خلکو مارشونه و کړل خو چی داوود خان لاړ نو د املت یی دخلق او پرچم روسو او کولو ته پرېښود، تره کی اودهغه له اخلاقو ته هم خلکو زړه نازړه مارشونه و کړل خو هغوی د املت دروسانو د سری سړی خوری اردو خونړیو منگولو ته وسپاره.

د مجاهدینو په سرخو خلکو نذرونه او خیراتونه منلی وو او ښځو خو لا د بابا گانو جنډی پراسختی وی خو هغوی چی راغلل پخپلو کی سره اخته شول او یو شمیر د غرض خاوندانو له دی موقع نه ډیره ښه گټه واخسته او هغه څه یی وکول چی زړه یی غوښتل، او بالاخره دادی چی کله طالبان دهیواد پر سیاسي افق راڅرگند شول دهرچا زړه له امیدونو ډک شو خو د هغوی دواکمنی ټوله نتیجه دادی په خواشیني سره د امریکا او برتانیی رندی بمباری شوی چی هره ورځ په لسگونو کسان، نران، ښځی، زارډ، ځوانان او کوچنیان پخپلو وینو کی لمبیری او که د طالبانو واکمنی له منځه ځی نو بیا به پردی ملت نور څه راځی!

اوس خبره داده چی دی مظلوم خومؤمن، باعزته اودیوه ویاړلی تاریخ او فرهنگ خاوند اولس څه گناه کړی ده، چی هر څوک واک ته رسیږی باید پردی ملت چپه میچنی وگرځوی او ملامت هم باید د املت وی، څومیا شتی دمخه خویوه رهبر ملت په ډیرو ستغو سپورو یاد کړی و چی خپل رهبر نه پیژنی!

سړی حیران شی چی آخر د املت په چا پسې ولاړ شی. حق پکی کوم دی او ناحق پکی کوم دی هریوایی چی زه من یم، نو د املت نه پوهیږی چی کومی محکمی ته ولاړ شی او په کوم قاضی قضاوت وکړی بس خبره همدا سهی ده چی د زراوړو خاوندان ټول سپین بازان دی، اودخمکی پر مخ ملامت قام همدا افغان اولس دی.

زه ډیر کوچنی وم، دومره می یاد دی چی لاپه ښوونځی کی نه وم شامل، ښایی د شپږو کالو په وچ او اوزه شوه پاچا راځی اوچی چاهم ولید د دوزخ او پری حرام دی دپاچا دراتگ په ورځ دمشرقی ټول ولایتونه د جلال اباد- کابل بر مرک، د مرک دواړو خواو ته داسی ولاړو چی بختور سړی پاچا ولید او کم بخت نه، زه له خپل اکاسره د سراج العمارت او امیر شهید د باغونو تر منځ سرک پر غاړه ولاړ وم چی تر ډیر انتظار وروسته، پاچا په یوه سرلوی موزی کی راځی، خلکو ورته دخپل درناوی مراتب وړاندی کول او ده دلاس په خوځولو د خلکو احساساتو ته ځواب وایه: خویوه ورځ داسی راغله چی پاچا په خیر خیریت سره له واک سره خدای پامانی وکړه، اوملت د داود خان د قهر پینجو ته وسپارل شو.

د داود خان لومړنی اقدام داوچی تر ډیر انتظار وروسته هیواد ته راغلی نیم بنده دیموکراسی یی هم خفه کړه اود افغانستان د سلگونو کلو نوعنوعی نظام یی هم له منځه یوړ، د پاکستان دعوامی نیشنل گوند د مرستیال حاجی غلام احمد بلور په یوه پخوانی مرکه کی می ولوستل چی داوود خان زه او ولی خان کابل ته وبللو، موږ لومړی لندن ته ولاړو او بیا له هغه ځایه کابل ته راغلو، له داوود خان سره دکتنی پروخت داوود خان په له خدا ډکه خوله ولی خان ته وویل چی خان صیب: زما پر کړی کار (کودتا) خوښ یی که نا خوښ؟ ولی خان وویل هم خوښ او هم ناخوښ، خودولی خان له وروستی خبری سره د داوود خان په ټنډی کی گونځی راغلی او ویی ویل چی څنگه هم خوښ او هم ناخوښ!

ولی خان وویل خوښ خو څکه چی ته یو جدی سړی یی او د املت ډیر غریب او وروسته پاتی دی، ته به ورته لږ کار وکړی او څه څکه چی ایا پردی مو فکر کړی چی تر تا وروسته به څه کیري؟ داوود خان پردی خبره پیکه شاته شو او وی ویل چی نه، پردی می فکر نه دی کړی.

س: په افغانستان کی مودروانو بدلونو نو په اړه څه نظر دی یعنی: ایا نیولی لاریه گنتی افغانان دخپل ارمان لوری ته سم کړی؟

غ: په ټولنه کی بدلونو نورامنځته کیدل دانسانی شعورد پخلی اوودی پرلور دگام اخیستنې په مانایو واقعیت دی، خوله بده مرغه زمور په افغانی کولتوری ټولنه کی بیا دی واقعیت سرچیه پایلی له ځان سره راوړی دی، هر بدلون، هریا څون او اوښتون دنویو هیلو دراتوکیدو پرځای نوی نوی ناورینو نه پنځولی دی خوله دی واقعیت هم سترگی نه شی پتیدای، چی دی سهند او متحمل میرنی اولس هیڅکله دامید او ځلاندی گاندی (ابندی) لمن نه ده پریښی، البته ددوی په دی پیاوړی هود او پولادی زغم کی ددوی دسپیشلی گروهی (عقیدی) او پیاوړی ایمان هم لوی لاس دی او همیشه بی پردی ټینگ ایمان دی، چی که څه کیږی اوڅه مخی ته ورځی، دهغو په پایلو او عواقبو کی دچارو دمودرو او چلوونکی هم لاس دی، نوځکه زه په داگه اوډا ویلاي شم، چی مور خلکو له دی څه کم پنځوشتو کلوراهیسی هرکړ او اوهر ناورین په دی ډاډگالی دی چی:

وللاخړه خیر لک من الاولی

(پای به درته تربیله غوره وی)

نوسری هیله من کیدای شی چی که داوسنی بدلون مدعیان اوراوستونکی یو څپک هم له اولسوسره له خپلو کړیوژمنو واوښتل، پای او پایله به بی همغه څه وی، چی ددوی داسلافووه. پاتی شوه، دغسی بدلونونو ته داوسن دمنفی اوبی پایلی انتظار خبره: نو کله کله خوله «خورا که مه» خوره وی، گوری که مودراهر ځل بیخوندی ددی حکمت په غوښتنه گالو چی له خونده تلپاتی خوند اخیستو په خوړو ښه ماره شوه، دنیا په امید خوره شی.

س: ایا دطالبانو دتغریه بشپړه رانغاړنه به گنتی دامریکائی ټلوالی دځواکونو هغه تبه وشلیږی چی امریکائی دسختوا لی امله افغانستان اوسیمی ته په پوځی لیرد اړکړه اوکه نه؟

غ: داسمه ده، چی دطالبانو له نظام اوله اسلام نه دهغوی له کړی تعبیر او تفسیر سره دټولنی پریکنده لروناندی یوه خوله نه وواوپکارووی چی دانسانی، اسلامی اوفکری نری گټورو وړاندیزونو ته غو «ایښود شوی وای چی دادی دنانغو تی او نامننی خواره بی پخپله وڅکل - خوڅه چی دافغانانو له ملی تاریخ سره په تړاو یردردوونکی اونه تلاقیی کیدونکی دی هغه زموږ دځینو پلورلیو پردی پالوواک ته رسیدنه ده، چی دسیاسی واک گټینی لپاره به هم دبل پراوده لاس یردی اوچی پایلی بی هم: نوبل څوک به بی په لغته وهی. ځکه نوزه پردی خواشینیم، چی که دامریکا

بی ټلوالی په ډاگیزه پوځی لاسوهنه اویلوسه داستاد ربانی رامنځته شوی واکمنی نه وړاندینی نظام دافغانانو نامنلی نظام و؛ نوولی مور پخپله داوړتیاونه درلوده چی پخپله مونسکور کړی وای؛ اوبیا چی چانسکور کړ، هغه ځواک یاځواکونه له مور سره دیوه پاک زری اوله مدنی خوړود محروم اولس په توگه داسی یوسپیشلی اوصادقانه چلن ولی نه کوی چی زمور په زړونو کی ورته دکرکی پرځای دمینی خواره زیات شی؟ یانی ولی بی پرخوله یوه او پرزړه بله ده؟ که څه هم داډیره

څوک چی دبل په اوزو واکمن شی

دهغه په لغته به هم له منځه ځی



دگیلی ور هم نه ده؛ ځکه ددوی په همدی دریځ کی هم مور گټه کړی ده یوه داچی دهغه بایلی جوارگر خبره، چی «څه که بای مولوده: نوغت غټ جوارگر خو مووپیژانده،» بله داچی سبا مو بیا څوک دده په جامه کی کوم بل غټ جوارگر نه شی غولولای، یانی دوی به په دی پوه شی، چی دغولونی او تیراښتنی گټه پردوی دی باوری په تاوان کی نغښتی ده، خبره چی رالنده کړم: نوویلی شم، چی په دی باید تیرنه وځو، چی گنتی په منځنی ختیځ کی ترهگری هڅوونکی به رښتیا هم په افغانستان اوسیمه کی دترهگری ورکونی لپاره راغلی دی.

س: داستاد ربانی له لومړنیو خبری مرکو معلومیری چی دپخوانه څه لوری دعوی نه کوی ددغه نرمښت علت څه بولی اویاهغه رښتیا هم

غواړی چی داخل دوس غیږ ته غوړوونیسې، مخکینی بی لوزی اوسیا سی ځیل تلاقی کړی؟

غ: داستاد لومړنی ډاډیوی خبری یاوینا می واوریده، که هم دهغه په څرگندونو کی اړوپیچ زیات و خودا چی تاسی ته بی په دعوو کی هغه پرونی سرتقگی نه ښکاری او بایی په دریځ کی نرمښت انگیری: نو دومره به ووايم چی:

لومړی خوپه واک پسې په بیا راتلو کی داستاد په دریځ کی ماله امله هم څه بدلون ونه لیده چی که بی پریدلون یا زمښت څه باورواي؛ نو لکه چی ویل کیدل - روژه مبارکه اوپاتی ژوند به بی دده په لومړنی واکمنی کی درنځیدلی اولس دسوکالی اوله هغوی نه دبښنی په غوښتوپه بدخشان کی ښه په درناوی تیره کړی وای؛ خوچی داسی ونه شول اویایی له زړه نه نه غوښتل، چی وشي؛ نو تاسی ته چی په څه کی ددریځ نرمښت ښکاری هغه ماته له دی امله ښکاری، چی داستاد دتیرڅلورنیم کلن اسلامی دولت دکلی (کوڅی) یونقل اوس هم له «مشرملک» سره دی، او هغه دکوڅی په هره وخت کارونه اوتاوونه بی «فعال لمایرید» بولی.

س: اوس په هیواد کی د شمال اوجنوب خبری ډیری کیږی داستاد ربانی ویاند دټولو خیلونو اوولسونو د ډاډخبری کوی ایا دابه دهیوادوالو دډاډوړی که څنگه او نتیجه به بی څه وی؟

وايي چی دښار له یوه دوکاندار سره د یوه کلیوال پیرونیکی دسودا پر سر څه شخړه شوه.

هتیوال پاس په دوکان کی واوکلیوال ته بی له پاسه لښته، خو ځوله، کلیوال ورته وویل که نری لاندی راکوژشه؛ چی سره سپینه بی کرو هتوال ورته وی په دی ارمان دی نیکونه هم مړه دی»

خبره داده اود تاریخ دخولی ده چی پسرنگیانود افغانستان پرویش دروسی وړاندیځ پروخت روسانو ته یووصیت یاتوصیه پریښی وه، چی که افغانستان خوړل کیدی شوی؛ نو مانیمولو ته نه پریښوده.

لومړی خودشمال اوجنوب دا ارمان ډیرو له ځان سره خاوروته وری اوبیا چی څوک ددغسی کرغیرنو ارمانونو دپتو لولپاره په خپله اداره کی دټولو خیلونو اوولسونو دگپون اوبلنی خبری کړی؛ نو دا پخپله ددی بیلگه ده چی اودوی پخپله دا جوتوی، چی دواک محور دوی دی ځکه هرچاته، چی بی زړه وغواړی دبلنی حق لری.

«ص ۷»

همینجاست که سیاست خارجی پاکستان بکلی تغییر زیادی کرده است. پاکستان قبل از واقعات ۱۱ سپتمبر یکی از حامیان طالبان بود و آنها را به رسمیت شناخته بود چه طالبان توانسته بودند مناطق نسبتاً زیادی را در افغانستان اشغال کنند. اما مجتمع بین المللی طور دیگری می اندیشیدند از سازمان امنیت م م گرفته تا دیگران و مشمولین کنفرانس شانگهای (۵) همه بر طالبان انتقاد و پالسی پاکستان را در مورد طالبان نکوهش کرده و از اتحاد شمال پشتیبانی می کردند.

مسلم است که پاکستان در اثر فشارهای بین المللی اخیراً از طالبان دوری جست آنهاست تا حدیکه پالیسی قبلی آن در ارتباط با طالبان کاملاً از بین رفت و اینک با جیو پلنکس و واقعیت های آن در منطقه چندان سروکاری ندارد و واقعات ۱۱ سپتمبر به وقوع غی پیوست، واضح است که پاکستان به سیاست قبلی خود در مورد افغانستان همچنان ادامه می داد.

در اینجا سوالی قد علم می کند که چرا حکومت پاکستان در ساحه داخلی، منطقوی و ساحه بین المللی تغییر سیاست داد؟؟ در جواب باید گفت که یک ساختمان دیموکراتیک ضعیف و قدرت های ناتوان دیموکراتیک، نمی تواند در چنین مواقع، مقاومتی از خود نشان دهد، لذا حکومت پاکستان پالیسی را فارمول بندی کرد که نسبت به مردم پاکستان به استقرار خود آن، مفید باشد و در نتیجه آن انواع انارشی در پاکستان آغاز یافت.... احزاب سیاسی پاکستان اینک برای موجودیت خود دست و پا می زنند و میدانند که موجودیت سیاسی ایشان بعد از سقوط (احتمالی) طالبان در خطر می افتد و جای مناسبی برای شان باقی نخواهد ماند.

پس به این نتیجه می رسمیم که باید در چنین شرایط از عقل و منطق کار گرفت.

ضدیت کور کورانه با امریکا چه مستقیم و چه غیر مستقیم، انواع تعصبات و اعمال تعصب آمیز و همچنان قدرت های ارجحی را بیمار می آورد، بنابراین از وظایف و مسئولیت های، منورین و لیبرال های کشور است که دست بکار شده و رولی بازی کنند که حاوی تحلیل و تجزیه مثبت حالت و اوضاع موجوده باشد با کمال تأسف باید گفت که تعدادی از منورین ماهم بطرف جریان ضد امریکائی گرویده اند که نتیجه آن باعث تقویه کسانی می شود که جز ویرانی در منطقه، کار دیگری نمی کنند.

کشت و کشتار مردم و روش دور از عدالت با زنان و اقلیت ها از جمله امثله زنده رژیم طالبان است.

«ص ۴»

دولتی می کشاند که اسامه بن لادن هم زاده و پرورده چنین محیط ذیست ناسالم و مریض یا معیوب یک اجتماع خاص اسلامی می باشد نه چیز دیگری.

به هر صورت پاکستان برای بار اول در خلال تاریخ سیاسی خود به چنان نقطه چرخش واضح رسیده است که در اثر آن خط فاصل جلی و روشن، بین احزاب و قدرت های مذهبی آن ترسیم گردیده است.

گروه های لیبرال ملی گرای پاکستان می گویند که جنگ و حملات موجوده افغانستان از طرف امریکا جنگیست با تروریزم جهانی و رژیم طالبان که حامی ترورستان است و خود هم گروه های جهادی را به

ضدیت کور کورانه با امریکا

نویسنده: داکتر مطهر احمد

ممالک دیگر چون چینیا، کشمیر به آسیای مرکزی و سایر ممالک می فرستد و کمپ های تربیتی در افغانستان برای آنها دایر نموده و به دهشت افکنان ممالک دیگر پناه می دهند.

بعلاوه ملی گرایان پاکستان به وضاحت فاش می سازند که اسامه شخصی است عرب و تبعه عربستان سعودی و نسبت به وجود او در افغانستان همه افغانان مورد حملات شدید هوائی قرار گرفته اند ملی گرایان و احزاب لیبرال پاکستان حملات امریکا را حمله علیه تروریزم تلقی می کنند که دین مبین اسلام را با آن سروکاری نیست اما از طرف دیگر احزاب اسلامی ادعا دارند که که این حملات در حقیقت علیه اسلام و مسلمین است، لذا وظیفه هر دولت اسلامی است تا از طالبان پشتیبانی کند.

تاجاییکه به حکومت پاکستان مربوط است، این حکومت از اتحاد وسیع بین المللی علیه تروریزم جانبداری کرده و دارای سه هدف مشترک هستند.

اول: که اسامه بن لادن را بچنگ آورند.

دوم: طالبان را تحت فشار قرار دهند تا اسامه را به امریکا بسپارند.

سوم: کمپ های تربیوی القاعده را در افغانستان ریشه کن کنند و از

طالبان را می توان معماران یک «اتوپیا» یا به اصطلاح خود ما معماران یک «مدینه فاضله» پان اسلامیزم قرون وسطائی خواند که این منطقه از جهان را معروض به آتش سوزان جنگ و خونریزی کرده اند لذا هنگام تحلیل و تجزیه حالات موجوده خواهی نخواهی باید فنا من یعنی حوادث و عوارض بنیاد گرانی و افراطیت اسلامی را مطالعه کرد و در آن خوض نمود و نیز در مورد ریشه های اصلی آن معلومات اندوخت و از حامیان و طرفداران قدرت های داخلی و خارجی آن آگاهی و معلومات درست بدست آورد.

طالبان اصلاً زاده و پرورده نوعی از انارشی هستند این عوارض و حوادث از خاصیت خصوصیات طبیعی، شکننده و ناپایدار اجتماعات موجوده ای ترجمانی می کنند که در بین مسلمین امروزی دنیای موجوده ما وجود دارند.

شیوخ، دکتاتورهای نظامی و غیر نظامی و دکتاتورهای نیمه دیموکرات امروز بر تعدادی از ۵۷ کشور مسلمان در سراسر جهان مسلط بوده و حکم می رانند و به ترتیب ارتباطات کلی دولت ها با اجتماعاتی که زیر سلطه ایشان قرار دارند بالای ساختمان قدرت های مرکزی و غیر دیموکراتیک متکی می باشند که علاوه بر آن حالات و اوضاع عمومی را بطرف یک انارشی مطلق سوق داده و رهنمود میگردد، و بین دولت و مردم باعث ایجاد خلای وسیعی می شود که بر منافع شخصی یا گروهی متکی می باشد. و یا برپا به های غیر موسساتی و اصولی و به عبارت دیگر به اساس موسسات فاقد هر گونه اصول شناخته شده قدرت مبنی می باشد و به این ترتیب بحران های اقتصادی و سیاسی و همچنان نا آرامی ها و اغتشاش های اجتماعی زمینه مساعدی و یاروی کار آوردن بنیاد گرانی و افراطیت دینی و مذهبی توده های مردم را گمراه و منحرف می سازند، و آنها را بطرف تمایلات افراطی رهنمون می شوند، با داشتن و وجود چنین سابقه و بیک گروند می توان غایله اسامه بن لادن و تنظیم القاعده و طالبان را بخوبی درک و تشخیص کرد.

اسامه را می توان سمبول و نمونه یک طبیعت خاصیت انارشی مآب دنیای اسلامی خواند که از ساحات اجتماع غیر بیشترفته اجتماع پسمانده و بی سویه سیاسی و اجتماعی متاثر گردیده است به عبارت دیگر چنان محیطی بر او تاثیر افکنده و نافذ گردیده است که در آن جای و مقامی برای گفتگوهای سازنده و تفاهم مثبت مبنی به آزادی و حق ابراز نظرویا یک محیط زیست اجتماعی سالم موجود نبوده است فقدان چنین عناصر و نبوده چنین فکتورها، ایشانرا به طرف فعالیت های غیر مرکزی و غیر

بگمارند و از نظریه اشغال با اعطای وظایف با مسئولیت و های وظیفوی واجتماعی پیروی نمایند.

ناگفته نماند لبرالیزم و پیروی از نظریات آن و همچنان افزونی هوا خواهان آن در مسیر تاریخ تمدن انسانی از قدیم تا ایدم دارای تاریخچه خاصی است که در ذات خود مبحث علحیده ای می باشد و ذکر آن درین مختصر نمی گنجد.

ضدیت کور کورانه

چنانچه دیده می شود، نوعی از اوضاع و شرایط مدعش در این منطقه از جهان در حال تکوین و ارتقا است هیچ یک از کشورهای منطقه، جز پاکستان، نمی خواهند یک افغانستان یکپارچه و متحد به میان آید و این جریان در ذات خود برای ما (پاکستان) دارای زیان بی شماری خواهد بود.

پوتین رئیس جمهور روسیه لفظ نامه ای با برهان الدین ربانی و رحمانوف در تاجیکستان در ۱۲۳ اکتوبر به امضا رسانید و طبق آن روسیه قبولدار شد تا به اتحاد شمال افغانستان کمک کند و گفت که طالبان باید در آینده افغانستان هیچ نوع نقشی نداشته باشند چه آنها از تروریسم پشتی بانی می کنند و علاوه کرد که در افغانستان باید حکومتی به میان آید که با همسایگان دارای مناسبات دوستانه باشد و گفت که با حکومت قانونی افغانستان از هیچ گونه کمک دریغ نخواهد کرد که اشاره یا ایمانی است به استاد ربانی اگر پروسه بالکانایزیشن از افغانستان آغاز یافت، تأثیرات آن بر این منطقه بسیار نامطلوب خواهد بود. یگانه راه حل معقول معضله افغانستان آن است تا یک حکومت وسیع البنیان در آن تأسیس گردد که جمیع اقشار اجتماعی افغانستان در آن نمایندگی مساویانه داشته باشند و طالبان در هیچ نوع نظامی سیاسی این کشور سهمی گرفته نتواند.

در غیر این صورت قدرت های استبدادی دارای چنان قدرتی هستند تا در ساختار همه دول و نیز همه اجتماعات این منطقه رخنه کرده و آنها را یکی از بین ببرد.

ازین حق را برای افراد رواندارد طرفداران لبرالیزم علیه ایشان قیام می کنند، به همین ترتیب لبرال ها به ضد آنانی قیام می کنند که به اهل مسئولیت های اجتماعی اهمیتی قابل نیستند و یا فاقد این همه مسئولیت های اجتماعی هستند بنابر آن نباید از دیانت مبین اسلام سو استفاده کرد و آنرا ضد آزادی های (مشروع) نوع بشر خواند. چه اسلام دیانتی است اعتدال پسند و جامع و صریح که آزادی فردی را هیچ وقت از مسئولیت های اجتماعی مجزا و جدا نمی داند بلکه به داشت مسئولیت های اجتماعی همیشه ارشاد و توصیه می فرماید. مثلاً همینکه دیانت مبین اسلام صلح را خیر می پندارد و صلح و سلم حتی در نام این دیانت آسمانی، مکتون و مذکور است و یا عدالت

لبرالیزم Liberalism چیست؟

اجتماعی در اسلام حقایق و واقعیت هائی هستند که به هیچ صورت نمی توان آنرا از وجود مسئولیت های اجتماعی و فرد مسئول و حتی جامعه مسئول میسر و مجزا پنداشت چه رسد به قتل نفس یا برادر کشی و مسلمان کشی.

نظامی گری را هم تا وقتی که آزادی های فردی را مراعات می کنند و آنرا از مردم سلب نمی کنند نمی توان ضد لبرالیزم خواند چه ایشان باید و شاید آزادی فردی و یک جامعه دارای مسئولیت را بر عهده داشته باشند حفاظت جان و مال مردم یکی از شروط عمده و قبلی در این مورد محسوب شده است.

بالاخره یکی از اهداف لبرال ها اینست تا هم شهریان و رجال حقیقی و لبرال را در صحنه حکومت روی کار آورند و بدین ترتیب پایه های یک اجتماع مسئول و وجود رجال با مسئولیت را به وظایف حساسی

لبرالیزم یک اصطلاح یا فرم سیاسی واجتماعی است که روزانه در گفتار و نوشته های ماموارد زیاد استعمال دارد و بیشتر از مردم به آن آشنائی نسبی دارند.

اگر در مورد معانی این اصطلاح به کتب لغت مراجعه کنیم خواهیم دید که معانی ذیل را در مقابل آن نگاشته اند: مثلاً دکنتری مشهور ملبمان حبیب که اکثراً با آن آشنائی داریم آنرا به اصول آزادی خواهی ترجمه می کند و در مقابل مشتقات آن مثلاً لبرال «لبرنی» «لبرالست» و امثال آن از معانی آزادی خواه، آزادگی، رادی (مثلاً راد مرد یا راد مردان)، دارای فکر روشن، آزادی خواه، بانظر بلند و غیره را ضبط کرده است.

با مثلاً دکنتری مشهور و معتبر کانساس اکسفود چنین معانی را هم به آن می افزاید: دارای فکر باز بودن ضدیت و دوری از تعصبات، طرفداری از آزادی های فردی، تجارت آزادی، دارای وسعت نظر و وسعت بینش، طرفدار اعتدال پسندی و ریفرم های سیاسی واجتماعی همچنان در مورد آرت لبرال و حتی مطالعات لبرال و امثالهم سخن می گوید.

تعداد زیادی از مردم را عقیده بر آنست که لبرالیزم نه یک تیوری است و نه هم یک ایدئالوژی و هم نمی توان لبرالیزم را طریق خاص از طرق شمرد، همچنان لبرالیزم نه مذهب خاصی است و نه دین خاصی بلکه عبارت است از نوعی ستایل یا سبک و شیوه خاص اما پرارزش و پربهای طرز زندگی و طرز فکر و بالاخره یک شیوه پربهای زندگی به این معنی که برد و ستون بسیار ارزنده و عمده متکی می باشد: اول آزادی (مشروع) فردی و دوم، مسئولیت های اجتماعی که معلوم است که هر نوع آزادی فردی بدون داشتن انواع مسئولیت های اجتماعی معنائی نخواهد داشت و برعکس چه این دو مفهوم پربها و قیمتی باهم دیگر ارتباطات زیاد ذات البینی معنوی دارند به قسمی که هر دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

ناگفته نماند که در ارتباط لبرالیزم و دیموکراسی که ورد زبان خاص و عام است نباید دچار برخی از سوء تفاهات کلی یا جزئی گردید چه به گفته اکثر مفکرین دیموکراسی در ذات خود و به تنهایی دارای کدام ارزش قابل وصفی شده نمی تواند تا آنکه به اساس ارزش های لبرال و آزادی خواهی فردی و مسئولیت های اجتماعی استوار و مستکی نباشد لذا دیموکراسی آنوقت دیموکراسی خوانده می شود که هم از آنچه در بالا گفته شد، هم پشتیبانی کند و هم در تحریک و پیشبرد آن بکوشد.

ناگفته نماند که به عقیده بعضی ها افراطی گرایان بصورت عام بالبرال ها دشمنی و ضدیت ندارند اما هر کسی که منکر آزادی فردی باشد و استفاده

بناغلی کوفی عنان!

زه دملگرو ملتونو د کیفیت او فعالیت په حقله څه ویل نه غواړم، اونه ځان ته د حق ورکوم، خولکه چی وائی «په اورهغه سوځیږی چی پری بلیری» د یو افغان په صفت په مشخصه توگه غواړم د افغانستان د ناوړین او غمیزی اوزره لېزونکی حالت په باب څو ټکی وړاندی کړم.

دادی افغانستان د پرله پسې جنگونو په درو شتم کال وروان دی په لکونو وگړی نی په هجرت او متباقی نورنی د زمانی د سخت اور په نغریوکی سوخی، نور هیڅ داسی ظلم او تیری نشته چی د قدرت بنکیلاگرو د ځوریدلی افغان ملت په سړی راوستی نه وی. زمونږ د مظلومانو په یاد هیچا غیږ پورته نکړلو، زمونږ دویچار اووران شوی هیواد په یاد چارزه ونه سو څولو مگردا چی ډیرو د خپلوناوړو اهدافو ته د ترلاسه کولو په خاطر موږ په ډیر ماهرانه او مکارانه ډول بنکیل کړو موږ فکر کاوډ چی له دی سره سره ملگری ملتونه شته اود پینو څارنه به کوی.

افغانستان د سختو لورو نه ورتیر شوی دی د روسانو له تیری نه تر مجاهدینو، د مجاهدینو پاتک سالاری نه تر طالبانو، د طالبانو کوتک سالاری نه دادی تراوسه لاد آرامی ساد نه ده اخیستی چی اوس د زمانی دستر امپراطوری د مباریو په نتیجه کی د ترهگری نه قربانیږی او بیاهم موږ وایو چی لدی سره سره ملگری ملتونه شته اود پینو څارنه به کوی.

بناغلی کوفی عنان صاحب!

خواجه را کړی په څرگنده توگه ووايم چی اوس تاسو اداری د افغانستان په مورد کی کماحقه مسئولیت ندی ترسره کړی، دملگرو ملتونو په لانبجه کی خامخا د ماشومانو په ناحقه نه وژنه، د عامه اوملکی شتمنیو نه ویچارول او تیری نکول ځای پر ځای شوی وی، اما نن په افغانستان کی د امریکا د بریدونو په ترڅ کی ماشومان وژل کیږی، عمومی او خصوصی وړانی ویچاریږی، گاونډی هیوادونه په زغرده مداخله کوی... د ټول به څه قانونی او نړیوال مشروعیت ولری؟! آیا دیو مظنون دینمن په سربو ملت له خاورو سره خاوری کول دملگرو ملتونو د بشری موازنو سره تطابق لری؟ بناغلی بوش د ماشومانو د وژنی

اودویچاریدو مسئولیت داسامه او طالبانو په غاړه اچوی، ولی د طالبانو د تولید کوونکو په غاړه یی نه اچوی کوم چی ترهگر اسامه نی ورلیږلی اود طالبانو نه ملاتړ کوی.

بناغلی کوفی عنان!

زما په فکر د موجوده حالاتو په وړاندی ملگری ملتونه یو ددوو حالتونه خالی ندی، یاداده چی یو بی صلاحیته تش په نامه اداره ده، چی پدی صورت کی باید رسماً اعلان وشی چی نو موږی اداره یوه خبریه اداره اود

د ملگرو ملتونو سرمنشی کوفی عنان ته پرانستی لیک

عبدالقهار «محمودی»

قضایاو په اړوند څه دنده نلری او یاداچی باصلاحیته اداره اود قانونی ځواک نه برخمنه ده، داچی د پینو څارنه کوی منیږی تری کوی حتماً تریو حده ځواکمنه اداره ده بنا پداسی حال کی چی د افغانستان د ناوړینی قضیې نقشه ملگرو ملتونو ته ښکاره ده نو زه نه پوهیږم چی ولی ملگری ملتونه خپل قانونی ځواک د افغانستان داوړد او پیچلی موضوع په اړوند نه کاروی؟

ملگری ملتونه باید امریکا پوه کړی چی ددی په عوض چی بی گناه افغان ولس د ترهگرو قربانی گرځوی ولی د ترهگرو د تولید مرکز اودهغوی دملاتړو جرړه له بیخه نه باسی؟ داچی طالبان د ترهگرو حامیان وی مگر تاسو امریکا پدی نه پوهیږی چی طالب دچا یرینه وه؟ همدا اوس اوس دکوم ځای نه تقویلیږی؟ آیا پدی نه پوهیږی چی دوضع نه په استفادی مداخلی روانی دی؟

بناغلی کوفی عنان!

دیرغلگرو روسانو دایستلو نه وروسته ملگرو ملتونو او گاونډیو هیوادو ته

پکارو په ژر تر ژره نی د پراخ بنسټیه حکومت په جوړولو کی هڅه کړی وای که څه هم د افغانستان د بیا ودانولو په نوم د مهاجرینو په نوم دمخدره موادو دمخنیوی اوداسی نورو په نامه په ملیاردو کمکونه وشول او تراوسه کیږی، نو موږی کمکونه نه یواځی داچی افغانستان ته نه ندی تللی او په مثبت اړخونو ندی لگیدلی د افغانستان نه بهراکثره مرستی صرف د افغانستان په نوم ختیځی خو په حقیقت کی په نورو اهدافو مصرفیږی افغانستان به هیڅکله د ۵٪ غاښی مرستو احسان نه وی پداسی حال کی چی متباقی مرستی په کومو لیاړو لگیږی تاسو پخپله مهربانی وکړی افغانستان وگوری دغو مرستو دویچار هیواد کومه برخه آباده کړی ده کوم اصلی مستحق د مرستو نه برخمن شوی.

بناغلی کوفی عنان صاحب! یوه بله مسئله چی غواړم تاسو ته نی وړاندی کړم داده چی ملگری ملتونه باید د افغانستان په اړوند پینوکی مسئولیت ادا کړی دانه ده چی ستا سو خبری اتری اولیدنی کتنی باید یواځی له یو شمیر رسمی ادارو سره په مانیوکی محدودی وی د قضیې اصلی عاملین نهایت مکارا وحق په جانبه څیره غوره کوی، لدی وجهی نه کتنی باید یو طرفه نه وی او نه باید د هرچا په خبرو سړی خوش بینه اوسی د تروریستانو واقعی مؤلدین د نړی په غولولو کی په زړه پوری مهارت لری، دملگرو ملتونو استازای باید د افغانستان بیلابیلو سیاسی اوقومی مشرانو د خپلو او غیر د خپلو کسانو سره کتنه وکړی، په واقعی توگه د ملت درد او غوښتنه درک کړی، ضرور ندی هرملک د افغانستان دراتلونکی حکومت په باب طرحی وړاندی کړی اود خپل سیاست آزموینه وکوی، دا کثره ملت نظر په پام کی نیولو سره دیو پراخ بنسټیه حکومت د جوړولو هڅه وشي، همدومره پدی استفادی بس دی چی د افغانانو د وینو په سرخلکو کړی، ملگری ملتونه باید د خپل قانونی ځواک نه په استفاده عملاً مثبت رول ولوبوی افغانان خپلواکه افغانستان، مرکزی اوقوی حکومت غواړی.



شعر او ادب کل پالها

شاره کوخه زره سواند شینواری

دازما کله خوسا دلانه لاره
پدې مورو سترگودې مه راپسې ژاره
ما په تا اوتا په ماکا کابو ولی
راشه یو شورو دي رقیب اشنا ته دواړه
چې راشنې مو ورته دېنې شوکې مانی کړې
په خدای هغو زموږ خونه کړه وېجاړه
تا یې خړې خاورې پورې په ورېل کې
دوطن هره کوخه موشو له شاره
چې له قات نه بیا پیرې ورته راتللې
ددې بې گلان تالاشو ل درېغه واره
چې زموږ په وینو سور شوی دېل چاشوی
گله! پر خې مود او بیکو بیا مه غواړه
ستا دلېجو مات بنگرې ترې زره سواند راوړې
ما زیگر چې لټوی دگودر غواړه

دازه نه وای یازه: م- عمران

کفاره !!

د طالبانو مشر ملا عمر خو ورځې وړاندې د مزار شریف له سقوط نه وروسته وویل چې پر طالبانو یوازې مېنې راغلي دي او داسې معلومېږي چې زموږ څخه گناه شویده او خدای «ج» یې سزا را کوی.

نو موږ زیاته کړې ده چې دغه از مېنې تیریدونکي دي او موږ به بیرته له لاسه وتلې سیمې ونیسو.

که د مزار له لاسه وتل طالبانو ته د گناهونو په سزا کې یوه تنبیه وېولو بیا خوداسې ښکاری چې لوی خدای «ج» له دوی نه ډیر ناراضه دی ځکه چې د مزار شریف له لاسه وتل د دوی د هغوی افسانوي بریاو بیرته پر ماتو د بدلېدو پیل و چې څو کاله وړاندې یې له سپین بولدکه پیل کړی و.

ملا صاحب محمد عمر مجاهد نن په هغه دېدې کې نه دی چې و او په یوه فرمان به یې څوک له ځمکې نه آسمان ته او څوک له آسمانه ځمکې ته را کوزول خو په دې خبره کې یې وزن شته چې خدای «ج» ورڅخه ناراضه شویږي پر دې باید موږ ټول اعتراف وکړو چې کله طالبانو له سپین بولدکه سر را پورته کړ پر نور وېتو او ښکاره ځواکونو برسیره یې دا امتیاز درلود چې دوی تر نورو د لوالس ته نژدې وو، د دوی ژوند او ناسته پاسته دا ولس په سطحه وه، ځکه خو خدای «ج» هم ترې راضی و او په یوه نیم کال کې یې نژدې ټول هیواد لاندي کړ او پاتېک سالاران یې وړغلول.

خدای «ج» خبر دی ملا صاحب به په خپله گناه پوهیدلی وې که نه خو زموږ په گومان د دوی تر ټولو لویه تیروتنه دا وه چې هغه مهال یې ځانونه د سولې د پرېنټو لښکر باله نه د حکومت د غوښتو داران، دوی د حکومت تر ټولو ډېر دین د غوښتو داران په مقابل کې سر را پورته کړی و خو چې پر کابل ورننوتل ژمنې یې هیڅې اوږدې یې بدلې کړې.

بیا چې نور څه وشول او څه شول هیواد وال ښه پری پوه دی او دغه کرښې یې د تفصیل زغم نه لري البته ملا صاحب ته دا څه معمولی تیروتنه ښکارېده چې د مزار شریف په لاسه ورکولو یې پرې اعتراف وکړ خوداسې یې نه گڼله چې دا گناه دومره لویه ده چې دوی به د کابل او آن د کندهار نه هم لاس پر سر شي.

که د مظلوم افغان ټویو وینو وړاندو جوړو اودریدو ژوند ته پام وشي گرانه ده چې یوازې له اقتداره لرې کیدل دي ددې گناه کفاره ادا کړای شي.

وجیزه ها

- عمر آدمی به دو حصه تقسیم میشود
حصه اول به امید حصه دوم می گذرد و حصه دوم به حسرت حصه اول.
- برای یک دوست از همه چیز میتوان گذشت غیر از وجدان و وظیفه
- اهمیت نویسندگان معروف در این است که آنچه دیگران دیده اند اینها توانسته اند بیان کنند.
- کتاب در وطن همدم خوب و در بلاد بیگانه آشنای خوب است.
- زیبایی ظلم کم دوام است.
- بی اعتنائی زن زینتی است که به زیبایی او می افزاید.
- درک زیبایی مانند شعله ایست که ضعیف آن می نوازد و شدید آن میسوزاند.

بزرگترین شعار این حزب بود ولی بعد از مدت ها خراب بزرگ نمی توانستند پیروزمندان ثابت کنند که درین راه موفق بوده اند گرچه همیشه دم از کامیابی می زدند. روزگاری شد که اراکه حزب را نمی شد بانبروی اندیشه های کهنه به پیش برد خراب دگر اندیش چنین می اندیشیدند که موقع آن است که با تحرک فکرهای نو، رخت کهنگی را بزدانند.

دیری نگذشت که همه ها بلند گردیدند و شور در حزب خراب افتاد و بساط بحث و فحش هموار گردید و تصادم افکار آغاز. خراب صاحب نظر با هم، طریق تبادل نظر می پیمودند و راه و رسم رفتن در مسیر آینده حزب راه می سنجیدند و عیب و هنر آن را سبک و سنگین می کردند.

ولی اودر مباحثات زبان در کام نگاه می داشت و نظر بر زمین می افکند و می اندیشید:

نوشت: بهادر یکنش

پیوسته به گذشته

حزب جدید

«چه باید کرد؟ خراب که چنین می کنند، پس آدم ها چه باید بکنند؟»

می خواست بر نتیجه عرق ریزی های چندین ساله خود مشکوک شود، اخرا این همه خراب برای هیچ که نساخته بود.

رشته افکارش را حرف های یکی از خراب بزرگ پاره کرده بود:

«این حزب در زمانی بوجود آمده که همه ما و شما از او جگرگیری حماقت در آدم ها و ارجحاری آن توسط آن ها اطلاع داریم و تا عمق جان آگاهیم که علت این کار ما چه بوده است.

ما خرنشیدیم، تا که آدم بودند

با معرفت، نمود عالم بودند

چشم دل ما به اشک آلوده نشد

تا برگل معرفت چو شبنم بودند»

یکی از خراب جوان و احساساتی نگذاشته بود که آن بزرگوار حرف هایش را ادامه بدهد، تقریباً فریاد زده بود که: «امروز، دیروز نیست سرحد بین آدمیت و خیریت امروز واضح نیست حتی یکی در مورد ما کتابی نوشته آیا کسی از میان ما و شما علت آن را می داند؟ من نمی دانم ادعا دارند که اگر خراب جومی خوردند آدم ها نیز نان جومی خوردند شاید ما دیگر از خیریت دور شده ایم یا اینکه آدم ها، دیگر خر شده اند.

از بند کمند عقل تاوا شده اند

این آدمیان عجب رسوا شده اند

آیین به یارید، تا کس گوید

ما خر شده ایم، یا خراب ماشده اند»

بایلات

جنگ میدان کی موی گتلی
واکمداری کی موی بیللی
تیر تاریخ گوره شاهدی
چی موی چالره سپارلی
تیر به اخلی بل شکوک
له پلرومی اوریدلی
څکه زده مایا بیللی
فکر وران حالت خراب دی
موی کی مشرک شرنشته
ټول له خیرمی نه مشران یو
په خودی کی یو بیل خورده
دنفق باق په لور روان یو
یو له بله پیسې نه، تیر یو
په خپل مینخ کی دیمان یو
لیر راتیت شی خورده خواهی نه
له نفق باق دی بدبختی نه
اخیر څه غواب به وایو
دی غریب مظلوم ملت ته
لیر نظر خو څه په کاردی
شهیدانو شهادت ته
که زمونږه داسی حالوی
نه رسو هیڅ قدرت ته
نه به تل د انصاف خزان وی
نه به تل د اسره او بیدان وی
کلاف لام غریب ژوبی
سری سکر و تی دی وری
په نفق باق او اخلاقی کی
داملت تل تیر کسری
عوامل دیرادی مو
ورخ په ورخ پیسی زیاتیری
دین منان ټول رایسی دی
لور په لوری دسیسی دی

او همچنان ساکت مانده واندیشیده بود: «ای مشغله ات خبره خراسان بردن! این ها را می دانیم. آنچه را خود می دانیم از چه روی باز می گوید چاره اساسی باید کرد»

ولی مانند همیشه سکوت کرده و هنوز هیچ نمی گفت.

خردیگری از خراب بزرگ، با متانت مخصوص حزبی و وقار پرشکوه، داخل جدل شده بود: «امروز چرا شکایت خرنخر است؟ با جدیت ولی خرنسردانه پرسیده بود.

«بگذار خون جوان در رگ های حزب، به جولان آید ولی دیگر چرا برخویش مشکوک می شوید؟

چرا اصل خیریت را نادیده می گیرید؟ آیا فراموش کردید که جنگ هفتاد و دو ملت را که آدم ها مرتکب شدند، نسل اندر نسل برای ما و شما کافی و شافی و وافی خواهد بود؟

چرا تاریخ حماقت ها را فراموش می کنید؟

یک کره خرکه از سیمایش نوجویی و نخواستی می یارید و همچنان آرام و ساکت منتظر نوبت خود بود به ادامه دیگران چنین گفته بود:

«بهبوده فرصت از دست مدهید و تنها به گپ قناعت نکنید که همه آن لاف در غربت خواهد بود بیا نید برای آنکه هوای تازه به دماغ همه ما برسد تشکل جدیدی را پی ریزی کنیم و من پیشنهاد می کنم نام آنرا «مجمع روشنفکری خراب» بگذاریم.

«ادامه دارد»

بقیه سرمقاله ♦♦♦ ایرانی ما به کلی غلط از آب درآمد و باعث سردرگمی رجال سیاسی و نظامی آن کشور شد و چون هیچ یک از شخصیت های کلیدی طالبان از صفوف فشرده خود جدا نشدند در پی اختراع و جعلی اصطلاح بی معنی دیگر یعنی پشتون های خوب و پشتون های بد، آستین بالا زدند...

یکی از قوماندانان دری زبان افغان طی مصاحبه ای با یک خبرنگار پاکستانی که ترجمه آنرا قبلاً تقدیم داشته ایم، در این مورد اظهار داشت که ماهر گز معنی این اصطلاحات جدید و ساختگی را درک کرده نمی توانیم و یگانه چیزی که به آن معتقدیم اینست که ما باید حداقل «یک چیزی» باشیم و آن «افغان» بودن ماست و بس.

از طرف دیگر در همین رشته فقط چند روز پیش مظاهرات پر جوش مردم غبورو و مجاهد شهر باستانی هرات را به شمول اهل تسنن و اهل تشیع آن سرزمین علم پرور و سلحشور به طرفداری بیچون و چرای پادشاه سابق افغانستان در پرده های تلویزیون های آمریکائی که پیرو جوان عکس های شاه سابق را در دست داشتند ملاحظه کردیم. البته همه می دانیم که مردم باشاهم هرات در بین اقوام و قبایل خود تعداد زیادی از منسوبین اقوام بزرگ پشتون را هم دارند که به زبان دری مخصوص هراتی صحبت می کنند، شاهد دیگر این مدعاست، همچنان وجود تعداد زیادی از اقوام و قبایل متعدد پشتون در ولایات شمال کشور، شاهد دیگر آن می باشد و برعکس. از طرف دیگر هم درین باره سخنان شاغلی اسماعیل خان و همچنان برخی از رجال سیاسی و نظامی اتحاد شمال و سایر افغانها از اهمیت شایانی برخوردار است که آب را نمی توان بادانگ ازم جدا کرد در ترکیب کنفرانس بن هم باید دقت کرد که مسئله پشتون و غیر پشتون در آن مدنظر نبوده نیست.

ناگفته نماند که این مسئله حیاتی نه تنها از طرف خارجیان مغرض مطرح می شود بلکه متأسفانه توسط تعدادی از افغانهای سست عنصر و پر غرض و متعصب و گاهی هم حتی از طرف بعضی از تعلیم یافتگان و قلم بدستان ماهم مطرح می گردد که مایه تأسف و تألم است اما قدر مسلم آنست که هیچ یک از این تنظیم های سیاسی، نظامی و اشخاص قبل الذکر در چنان مقام و جایگاه سیاسی و اجتماعی ای قرار ندارند که از یک یا چند قوم و قبیله افغان نمایندگی کرده بتوانند بلکه برعکس تا حد زیادی از انتظار عمومی نیز افتاده اند. اما اینکه تعدادی از جوانان و حتی نو جوانان رشید و با استعداد افغان در زیر بیرق های بیرنگ و نشان ایشان جبراً به برادر کشی و کشته شدن خود تن دهی کرده اند، ملحوظات و علل دیگری دارد که می توان ریشه های اصلی و شاه رگ آنرا بیشتر در فقر سیاه مالی و بیکاری مطلق که متأسفانه سرتاسر افغانستان و اهالی آنرا در داخل و خارج در هم پیچیده و دمار از روزگار ما کشیده است. سراغ و جستجو کرد چه به تجربه ثابت شده است که زمینه کار و لوله هر قدر شاقه و مشکل هم باشد و در افغانستان امروزی مهیا گردد و جوانان محتاج و بینوای می توانند لقمه نان حلال بخورند و از آبله دست خود بدست آورند به تحقیق که با تفنگ و کشت و خون الوداع خواهند گفت و امید و آریم کشور های متمدن دنیا به این حقیقت پی برده باشند و در این مورد توجه جدی و فوری مبذول دارند تا در حدود اقل پنجده

فیصد از مشکلات موجوده مابصورت نسبی حل و فصل گردد.

چه علت دیگر طرح چنین لاکابلات را در حقیقت برخی از سیاستمداران تفنگ بدست و تارکین تفنگ اما ابرچونست و فاقد هرگونه مسئولیت تشکیل می دهند که بنابر منافع شخصی و اکتساب و انحصار قدرت و اندوختن ثروت مضاعف به انواع لطایف الحیل به چنین کار هادست می یازند و از فقر و گرسنگی روحی و جسمی ماسوا استفاده کرده مارا به دانه اندک و ناپیزی به دام می اندازند و به ایما و اشاره اجنبیان به کشت و خون و برادر کشی وامی دارند.

لطفاً به روز هائی مراجعه کرده و برگردید که بعد از اخراج روس ها و سقوط آخرین مهره دست نشانده ایشان و موافقات ناقص پشاور و اسلام آباد و جلال آباد و تدویر شورای نامائونس اهل حل و عقد در خلال سالهای ۹۲ و ۹۳ و معراج جنگ های بین تنظیمی در کابل مشران این تنظیم ها به استثنای دوسه تنظیم نسبتاً ضعیف و همچنان میانه رو، بدون احساس هرگونه مسئولیت ملی و میهنی دست به اشاعه مسایل قومی، لسانی، سمتی و مذهبی و امثالهم زدند و افغان ها را به جان همدگر انداختند اما این دسیسه نتوانست از چهار دیوار کابل و یا حواشی و سواد نزدیک آن خارج گردد چه افغانها در اطراف و اکناف کشور طرفدار زیست باهمی بودند و به چنین مسایل خانمانسوز اعتبار چندانی نمی داند.

به هر صورت اینک بر ماست که حتی از حالات مهملک موجوده با درایت و تعقل و انواع نرمش های سیاسی و یاد رنظر داشت میهن و مردم آن استفاده اعظمی کرده و خود را از مصیبت کبری و جهنم صغرا نجات دهیم تا باشد که با این طرز تفکر ملی و اسلامی و میهنی به دوران قبل از دوره طالبان برنگردیم. خداوند (ج) قادر و دانا به امی و ملای ما هدایت نیک دهد. والسلام

تاکنون که جبهه متحد ..

بگذارد ابتکار عمل را به آن جبهه منتقل ساخته است. با آنکه این پیروزی و دست آورد بزرگی برای کنفرانس بن تلقی می شود اما نباید فراموش کرد که هنوز مسئله دست یافتن به کرسی ها و مقامات باقیست، آنچه که با تاسف تا امروز ویرانی کشور و ریختن خون هزاران هموطن بیگناه و بی دفاع مانرا سبب شده است.

اینجاست که گذشت های مخلصانه، وطن دوستی های بی آلاشانه و شناسایی خویشتن در موقف های آینده که قرار است مسئولیت های بزرگی را برای احیای افغانستان در مقابل مان قرار دهد مطرح می گردد.

اینجاست که می خواهد درگیری ها و عقده های سیاسی، عقیدتی، نژادی و فکری را که تاکنون مایه همه بدبختی های عظیم و متداوم برای ملت مظلوم مان بوده است کنار گذاریم. اینجاست که می طلبد از انحصار گری و یکه تازی ها پرهیز کنیم و باورهای را به نمایش بگذاریم تا ملت افغان به نمایندگی بودن مان حساب کنند، با فعالیت های مشترک صلح آمیز و سازنده مان باید مکمل همدیگر باشیم تا هر کدام جایگاه مناسب حال مانرا در نظام سیاسی اجتماعی آینده کشور در یابیم.

گرچه ناظرین اوضاع را عقیده بر آن است که موقف جبهه متحد چنانکه از موضع گیری آقای یونس قانونی رئیس هیأت آن جبهه برمی آید در این عرصه باز هم ابتکاری و سازنده خواهد بود اما آنچه سوال برانگیز است، اینست که آیا نسل دوم جهاد و پیروان نظریه حکومت وسیع البنیاد از ان نیرو و کارایی لازم برخوردارند تا به قول و قرارهایشان جامعه عمل بپوشانند؟

ایا تلاش های جاری از سوی مقام رهبری جبهه متحد در جلب حمایت دوستان گذشته و دشمنان دیروزی منجمله پاکستان کنفرانس بن و تصامیم آنرا به تهدید نگرفته است؟ ایا با عدم موجودیت نیروهای نظامی متحدین زیر چتر سازمان ملل نظام آینده از خطرات موجود و احتمالی در داخل کشور مصئون مانده می تواند؟

بهر صورت روز های بعدی و ادامه کار کنفرانس بن محکی خواهد بود برای آنکه طی آن «سیه روی شود هر که در او غش باشد».

تودی جگری اوسخت مقاومت روان دی

روانه ده اود بنار په شاوخواکی په سلگونو امریکائی وسله وال پوخیان دکندهار په شل کیلو متری کی بنکته شوی اود طالبانو پر ضد یی جگړه پیل کړی ده. په ورکې شویو خبرونو کی ویل شوی: که څه هم په کندهار کی دطالبانو د بشپړ سقوط خبری اوریدل کیږی خو امریکائی الوتکو دکندهار په ښار کی گڼ شمیر ځایونه په دی نامه چی هلته طالبان اودالقاعده غړی فعالیت کوی له منځه وړی. دوی دعوه کړی چی بیگانی دکندهار په ښار کی داسی یو مرکز له منځه وړی چی کیدای شی دطالبانو اوالقاعده یو شمیر مشران په کی موجود و. دوی دطالبانو یو پوخی قطار هم خپلی دی ترپه یو بل خبر کی ویل شوی چی سپین بولدک، چمن غینی سیمی، ویش اودکندهار ښار ته نږدی هوایی کرښه د امریکائی پوخیانو په واک کی ورغلی دی. ددی ترڅنګ حامد کرزی او دکندهار پخوانی والی گل آغا هم ویلی دی چی په بشپړه توگه د مقاومت پرته دکندهار د ښار دورسپارولو له پاره نی دطالب چارواکوسره خبری کړیدی. کیدای شی کندهار ته گڼ شمیر نور امریکائی پوخیان هم ځانونه ورسوی.

منظم فعال است.

گوشه های مختلفی از شهر کابل در حالیکه ظاهراً آرام و عملی از جنب و جوش به نظر می رسند در عین حال حاکی از روزگاران سخت و دشوار قتل و کشتار های بیرحمانه ویرانی و ویرانگری های بیشمار درین شهر بزرگ و تاریخی در زمان تداوم جنگ های قبلی بوده است در غرب کابل از عمارات تخریب شده در دامنه زیارت خلیفه چهارم اسلام حضرت علی کرم الله وجهه گرفت تا کارته مامورین، خوشحال مینه، افشار، سیلو، قرغه و پغمان و از مقبره شاه دوشمشیره علیه الرحمه تا باغ قاضی زیارت خواجه صفا و دیوار های تاریخی کوه شیردروازه و تخت زنبورک شاه واز آنسوی کوه خواجه صفا در امتداد زیات خواجه خضر علیه الرحمه، تمیم صاحب و جابر صاحب انصار ولی تازیارت پنجه شاه در شهیدا در جنوب کابل واز عمارات تاریخی بالا حصار تا بینهی حصار و چهار آسیاب و سنگ نوشته و هو دخیل در شرق کابل، همه شاهد گویای از تخریب، آتشوزی، تجاوزات و یدر رفتاری زمان گذشته جنگ ها در شهر زیبا و تاریخی کابل بوده است.

بناهای تاریخی دیگر یک در نتیجه دوام جنگ ها و درگیری ها شدیداً صدمه دیده میتوان از تخریب و آتشسوزی قصر دارالامان و چهلستون، آبد دهمنزنگ و طاق ظفر پغمان در غرب، تخریب و فرو پاشی منار چکری و پا چا صاحب و حاجی صاحب پایمنار در شرق کابل و همچنان تخریب و فرو ریزی منار سپاهی گنمان مناره استقلال، چمن حضوری، برج ساعت و گالری ملی در داخل شهر کابل بوده است که قسمتاً و هم بطور کل منهدم گردیده.

البته تحولات اخیر نظامی در شهر کابل بار دیگر امید واری ها برای استقرار صلح و ثبات مطمئن در کشور را بوجود آورده اما به تنهایی پاسخگویی ترس و تشویش ناشی از احتمال وقوع درگیری های جناحی نیرو های متخاصم در کشور نمی باشد. از جانب دیگر شاهدان عینی یوم شنبه ۲۵ عترب سال جاری از کشته شدن یک از نوجوانان خارجی تیاری بدست گزمه های امنیتی جبهه متحد حکایت داشتند که گویا با کلبشینکوف دست داشته در دامنه های باغ بالا کابل میخواست به امتداد منازل مسکونی مردم در پروان سوم آتش گشاید، شاهدان عینی که عابرین محل اند گفتند جوان مذکور به زبانی صحبت می کرد که هیچکس حرف او را نمیدانست و یا خود مقداری از اسعار خارجی را نیز در دست داشت. علاوه بر تحرکات در سایر ولایات کشور فضای اعتماد و اطمینان شهروندان را تا حدی مخدوش نموده و آنان احتمال وقوع درگیری های جناحی ناشی از تعصبات گروهی، جناحی، سمتی، تنظیمی و انواع تعصبات را پیشبینی می کنند.

علی الوصف اینهم تصورات مردم از فضای حاضر منجبت یک نوید به خاطر استقرار صلح و امنیت مطمئن در کشور، حسن استقبال بعمل می آرد و هر کجا گل ببلند بر لیلان شان نقش بسته است.

تحولات اخیر در شهر کابل یک بار دیگر امید واری های را به وجود آورده است

خواهد شد اما در حال حاضر تقریباً تمامی ادارات رسمی و دولتی، مکاتب و مؤسسات عالی تحصیلی و تسلیمی به شمول ادارات پستی، تلفون، مخابراتی و حتی بانک ها نیز بطور مؤقتی مسدود اند.

نشرات رادیو بطور و قفسوی ادامه دارد و امیدواری ها برای آغاز نشرات تلویزیون نیز در آینده قریب وعده داده شده است.

بازارها مملو از مواد خوراکی، البسه تجارتنی و لیلای اند و تقریباً بسیاری از اقلام مورد نیاز خانواده ها در کنار جاده های عمومی شهر کابل مهیا است و در بعضی نقاط مزدحم شهر رفت و آمد شهریان بحدی است که طبق ضرب المثل مشهور: جای برای سوزن انداختن نیز وجود ندارد.

در جمع عابرین محل، دکانداران و اهالی شهر توجه ام را بصورت های بعضی از هم شهریان اعم از جوانان و نوجوانان و موسفیدانی بخود جلب کرد که بعد از گذشت پنج سال دوباره اجازه تراشیدن و یا کوتاه نمودن ریشهای شان را می یابند.

عبور و مرور زنان و دختران به پیمانه کمتر و آنهم در همان چادری های از قبل تثبیت شده صورت می گیرد.

در جاده عمومی مشهور به کهنه فروشی، در مقابل مسجد پل خشتی، از دحام و شور و هلهله عجیبی برپاست چهار تن از زور نالستان خارجی معه ترجمانان با کمره های ویدیویی و عکاسی مصروف مصاحبه با چند تن از هموطنان ما و فلمبرداری از رقص و شادی شهروندان غریب واز با افتاده ای اند که با فروش لوازم خانه، میخوانند باز هم به امرار معیشت خود و خانواده های شان ادامه دهند.

این زور نالستان میخوانند روال عادی زند ه گی مردم در کابل را بطور مصور، صادقانه و واقعیانه، انعکاس دهند.

در یکی از دیوارهای عمارت فرو شگاه بزرگ افغان در پوستر ها و ریکلام های سینمایی، سمنیای باختر توجه زیادی از جوانان و نوجوانان افغان را بخود معطوف داشته است که قرار است از فردای آن روز به بعد به نمایشات فلم های هنری مجدداً آغاز نماید.

از جمع سینما ها و نمایشگاه های شهر کابل، سینمای باختر یگانه سینمای است که مجدداً به نمایش فلم های هنری می پردازد. البته سینما های بهزاد، میوند، فرخی، سینمای کارته نو، بریکوت و کابل ننداری قبلاً در جریان جنگ های جناحی به ویرانه های متروکی مبدل گردیده، سینمای زینب در شهر نو به یک ریستوانت تبدیل گردیده و مبتاقی سینما هاد در حالت تعطیل قرار دارد.

خطوط مواصلاتی و ترانسپورتی هم در داخل و شهر و در امتداد سایر ولایات کشور بطور

د قومیت پاللو موجود د لړۍ به:

د افغانستان تاریخي نوم د ځمکې له کړې نه وړک کړی

لیکونکی: محمد خلیل

اووقار په نظر کتلی شی.

ټول افغانان دی پدی پوه شی چی دوی ټول دیو جسم غړی دی که دوجود هر غړی ته نقصان رسیږی نو ددی دبدن بقا په خطر کی لویږی نقصانی کیږی اود دفاع قوت نی کمیږی ، پښتون ، تاجک ، ازبک ، هزاره ، نورستانی اوپشانی ټول دیو بدن اعضای دی ، دپښتون قتل په حقیقت کی دتاجک قتل دی اودتاجک قتل په حقیقت کی دپښتون قتل دی لنډه داچی دافغانستان دهر فرد قتل دټول افغانستان قتل دی څومره چی دوی پخپلو کی سره وژنی اوڅومره چی یوله بل نه جلا کیږی هومره خپل اصل بدن (افغانستان) نه محرومیږی دافغانستان بقا اواستحکام دټولو افغانانو په اتفاق او ورورولی کی نغښتی دی که اتفاق نه وی څو افغانستان نشته اوچی افغانستان نه وی خویا نه پښتون شته نه تاجک ، نه ازبک نه هزاره نه نورستانی او نه پشانی ، نه آزاری او نه دخپلی خوښی ژوند ، بلکی دغلامی دداسی ژوند په سر نوشت کی به اخته کیږی چی لداسی ژونده به بیا مرگ ته ترجیح ورکوی اودځمکی له سره به دځمکی تل ورته ښه وی.

افغانانورای چی ټول په گډه ددښمنانو آرمانونه خاوری ایری کړو ، رایی چی پخپلو کی سره اسلامی اوافغانی ورورولی په جذبه یوبل ته دیوالی اوتفاق لاسونه ورکړو رایی پدی عهدوکړو چی نور مور خپل افغانی میندی دخپلو زامنو په مرگونو ونه وژوو خپلی خویندی کونیدی نکړو خپل واره ورونه دپلار ونو دعاظفی له سیوری نه محروم نکړو خپل هیواد له موجوده غمیږی نه داتفاق په توره وژغورو اوددښمنانو ناوړی ارادی له خاوری سره خاوری کړو.

مونو ویشل شوی دجدا جدا پرگنو اوقومونو مختلف دریځونه او مرامونه تر غوره کیږی هغه قومونه اوملیتونه چی ټول عمر دیو وجود اعضاوو او یو دبل دسلامتیا اوشادابی غوښتونکی وو نن سره پخپلو کی جلا او دښمن دی دپښتون اوتاجک ترمنځ دکرکی اونفرت لمنه وهل کیږی ازبک هزاره ترکمن نورستانی اوپشانیان یوله بل نه جدا کولو هلی ځلی کیږی . اوخبره تردی حده رسیدلی چی داسلام اودافغان دښمنو قوتونو په اشره ځینی احساساتی اوبیتجربه پرگنی اوقومونه پښو کی سره لاس اوگریوان شوی او یو دبل په وژلو خپل زړونه یخوی ، دغه پیدا شوی ناروا احساسات اودښمنی دافغانستان دوطن پالو اواسلام خوښو افغانانو په نزد نه یواځی مردود دی بلکی پدی باندی زیات غمجن او پریشان هم دی.

دافغانستان ټول وگړی که هغه له هر قوم او هر سمت اوهری ژبی سره تعلق لری دافغانستان دخاوری بحیان دی افغانستان ددوی گډ کور ، وقار اوشان دی - ترڅو چی افغانستان وی ددوی اهلیت ، معرفت ، استقلال ، شان اوشوکت به نی پرځای وی دوی ته به دخپلی خوښی آزاد ژوند ورپه برخه وی دخپلی رای اودخپلی ارادی خاوندان به وی دخپل سرنوشت ټاکلو حق به لری اوپه نړی کی به دعزت

تاریخ گواه دی چی دیوهیواد استحکام ، ملی یووالی عزت ، ترقی امن خوشحالی او دورورولی ښه فضا یواځی اویواځی په هغه صورت کی یقینی او ممکن کیدای شی چی اوسیدونکی نی ټول دعصبیت ، قوم پرستی سمت پالنی اویی اتفاقی له وژونکی ناروغی پاک وی ټول پخپلو کی سره داخلاص اوهمدردی اودوروری په خوږ ماحول کی ژوند تیروی ټول دخپل هیواد گډ معماران اوساتندوی وی دهیواد هره سیمه هره شاړه اودښته دزړه ټکړه اوسترگو تورگنی دهیواد هره فرد غم اوکړ او خپل تکلیف گنی اوددی دلری کولو لپاره خپل هر دډول مدد اوقوت نه سپموی کله چی دیوهیواد ملی شیرازه اوقومی یووالی متفرق اومتشرشی پخپلو کی دعصبیت قوم پرستی په وژونکی ضد اوکینه کی ولویږی نو هیواد خپله بقاله لاسه ورکوی اواوسیدونکی نی دغلامی په توره تیاره کنده کی لویږی اوخپل ترملی هویت له لاسه ورکوی آزادی نی صلب اوشخص نی پښو لاندی کیږی.

دافغانستان تاریخی نوم دختمولو اودقهرمان افغان ولس دتجربه کولو غلامولو پلان هم دڅو لسیزونه راپیل شوی اودونی دچینچی پشان لگیدای دافغانستان دملی وحدت شیرازه له منځه وری دهمدغه نارواپلان نتیجه ده چی یو موټی اویوروح لروونکی افغانان په مختلفو قومیتونو اونیو

څوک چی دبل په اوږدوواکمن شی

دهغه په لغته به هم له . . .

س: که چیری پرونی پوځی اړخونه دیوه منلی سیاسی نظام درامنځ ته کید خنډشی اوووانی چی دافغانستان سیاسی رغونی اوچلول بی له تنظیمی څواکه دبل چا حق نه دی ایا داکار به دپراخ بنسټه ملی نظام درامنځ ته کیدو هیله ټکنی نه کړی؟

ځ: زه خو وایم ، چی هر سیاسی یاگوندی لوری چی غواړی لیر تر لیر په افغانستان کی دپودرونی اندی اوسیاسی دریغ دځاوند په توگه ژوند وکړی ، دابه هم منی .:

چی بی مورو پدی خاوره زیږولی

که په هره ژبه گویا وی خوافغان دی

اوچی داواقعیت منی: نو بیا پر هغه تیراوپاتی دناکام دریغ اودغونی ټینگیدل ، چی دهیواد دسیاسی نظام چلول یوازی دده حق اودهغه حق دی ، له افغان اوافغانستان دښمنی اوحماقته پرته بل څه نه دی اودخاوری اوخپلواکی له دښمن سره په چلن څو افغانان ترهر چا ښه پوهیږی.

س: په افغانستان کی څوامریکائی دله دپوځی عملیاتو لاریښوونه کوی دغه کار دافغانانو دملی کلتور له مخی څنگه بولی؟

ځ: ما عرض وکړ چی امریکا بی ټلواله په افغانستان کی دترهگری ضد عملیاتو په پلمه دخپل شتون اویوځی او نورو غرضونو په باب غوږ تر غوږی لاندی کړی اوژوولی خبری کوی: څو څومره چی خبره دافغانانو له ملی اوکلتوری تاریخ سره په تړاوده ، مور پردغه پلمه پرکړی پوځی برید خپله ژوره خواشیني څرگندوو: ځکه دغی پوځی لاسوهنی اوبلوسی زموږ د ملی اوحماسی غرور هغه دعوی ټکنی اوله پوښتنی سره مخامخ کړی ، چی ویل مو افغانانو هر بهرنی بلوسگر څواک ته غاښ ماتی ځواب ورکړی دی ، خوله بده مرغه د «جاک سترادرگندونو اواعتراف له مخی امریکا بی اوانگریزی څواکونه شمالی اتحاد په بلنه افغانستان ته راغلی دی ، نوجوته وه چی پرخپل پرونی ویاړ مو له خپله لاسه وتوکل.

س: استاد ربانی کابل ته تر راتلو وروسته کابل ته دخپلو ځواکونو راننوتل پرتور تم دریا بری بللی تاسی دابری اوسو به څنگه څیری؟

س: مایه یوه خبرونه کی دلوستونکیو ددی پوښتنی (دیموکراسی

لوی مالی ملاتړی په دی قانع کړی چی دخپل غرور له مخی دمرستی خپله ۷۵٪ ونډه زموږ دپریکړو په بی اثره کولو په اوبو لاهو کړی؟

س: په افغانستان کی دیوی همیشنی سولی دټینگیت په لار کی دپخوانی پاچا پر نقش اوڅوخه وایاست؟

ځ: که موږ ته ظرف (افغانستان) رښتیا هم ارزښت لری اود تر لاسه کولو اوملکیت دعوی بی کوو نو یا څو هر هغه څوک د درناوی وړ اوپر سر دگرځونودی چی زموږ دغه لوبنی له ورکاوی اولوتمار ژغورلای شی: رایی چی دخپلو شخصی اوفردی سلیقو له مخی د «مظروف» خبره سبا ته پریردو.

س: دهیواد ددی ستړی غمیږی داوارونی له پاره ډیری خولی په ډیرو خبرو ستړی شوی خو نتیجه بی دادی هرچا ولیده تاسی دیوه افغان په توگه له همدغه امله څه نظر لری؟

ځ: زما نظریه ددومره گڼو نظرونو ، وړاندیزونو اودرملنو په لړ کی څه ارزښت ولری: څوکه بیا هم دبی اثره نظرونو دلری یوه بله کړی زیاتوی نودادی چی:

۱- پردیپال پردی نوکری پریردی اوباداران خان ته په پیل ځای اوبله خاوره کی نوی نوکران لټوی ځکه پردی نوکران لکه موږ ته چی دملت دغیرتوب له دعوی سره سره مخلص نه دی ، داسی به پری دوی هم یوه ورځ خپل باور بابلی.

۲- که تاسی وائی چی داخو یوه هم کیدونی نه ده: نو بیا دویمه یادریسه لار تاسی راوښی ځکه گنجی څوکه طبیب وی دخپل سردارو به بی کړی وای

س: دهیواد په دی نازک پړاو کی له خپل بی واکه اولسه څه کول اوڅه ورته ویل غواړی؟

له اولس نه می هیله ده اوپه کلکه تری غوښتنه کوم چی:

یه میږنی خو ساده اولسه: داپراتاسی څه شوی چی دهری نه اټکلیدونکی تنگی زغم لری خوداد ملی خاین اوجانی گریوان ته لاس اچول گنی دولری ددرگالی نه ډیر گران دی؟

ښه ده که دیکتاتوری؟) په ځواب کی لوستی ووچی که واک له ماسره وی ، نو دیکتاتوری ښه ده اوکه له تاسره وی: نو دیموکراسی . . .

ښکاره خبره ده پردی واک خوتور تم وی اوخپل هغه نه یوازی ریا: بلکی لمروی پرتور تم دریا لاسبری (فتح) نور څنگه وی چی دپرونیو پنجابی او عربی دهشتگرو تور تم مودامریکا بی ، پیرنگی اوفرانسوی ځواکونو دزور په وړانگو وخیره ماپر همدغه (پرظلمت دنورد فتح) ورځ په مطبوعاتو کی دوه بیلابیل عکسونه ولیدل چی یوه بی دباگرام په هوا بی ډگر کی دوه پیرنگی پوځیان ښوول چی دیوه افغان ملیشه څارنه کوی اویل کی شپراوه امریکا بی آس سواره وو ، چی دهیواد دغرونو پر تیر پخپلی ورکی پسی گرځیدل.

س: په تیر جهادی نظام کی دشرقی شورا په پښو کی یو ځانگری دپام وړ ځای درلود اوس چی بیا دهغی غری دخپلو زرو میراثونو پرځای ناست دی داخل بی نقش څنگه بولی؟

ځ: دارښتیا ده ، چی هغه مهال چی دهیواد پرزرگی (کابل) باندی دگوندی جگړو لمبی بلی وی ، ننگرهار دهمدغی جهادی شوری په نسبی درایت دسولی او جرگو مرکو کورو ، خودا دکورنی سیاست په برخه کی: خو په اداری اړخ کی خو خبره دی ته رسیدلی وه چی دشراوف کوونکیو په نامه دهمغه چا راتگ ته لارواره شوه ، چی دادی زار دیر نی په نوی ښه بیا راوستل دهرکلی تر څنگ تری امید دی دخپل پنځه کلن انتظار اوتاسوښتیا په ترڅ کی به بی خپله په لاس کی نیولی آینه اوس هم په لاس کی وی خبر دی میراث دی بیا هم همدوی ته ورمبارک وی: څوپه همدومره هیله چی: دلوی خدای اولوی ورځی په پار داخل دا اولس دومره مهیروی چی بیا مو پرځای په بل نامه دمبارزی لپاره بل څوک دنورو پنځو کلو لپاره میلمان شوی اوهیله ده داخل به داسی یوه مسلکی اوتخصصی اداره جوړه کړی چی هڅوک پکی دگروهمیز اوسیاسی توپیر په اندښنه ځان پردی اوناافغان اونا مسلمان ونه گڼی.

س: دافغانستان دروان کړکیچ دحل له پاره دملکرو ملتونو دقتش اواغیز پرمؤثریت څومره ډاډ لری؟

ځ: څه څه هم له بده مرغه دنړیوالو کړکیچونو په اداری کی دملگریو ملتونو نقش همدومره دی لکه دسگریو دخرڅون په اعلان کی چی دپاکستان دورزارت صحت دی:

«تباکو نوی صحت کیلی مضر هی»

خو موږ دیوه حق ترورل شوی ملت په توگه بیا هم دملکریو ملتو دماهیت اوارمان سپڅلتیا ته په درناوی تری هیله من یو ، چی خپل

فريبا حميدي

از قصه هاوغصه های دیار هجرت و آواره گی

هیچ چیزی نداریم در این زمستان نه لحاف داریم و نه دوشکی، باور کنید یک گردآرد نداریم، تاکنون برایم کارت دریافت کمک نداده اند نمانده گان کارت ها را به اقوام و اشنايان خود شان توزیع می کنند نمی دانم چه کنم کودکانم نان می خواهند و من چیزی ندارم که برایشان بدهم.



دقایقی با آواره گان افغان در کمپ اکوره ختک

جوزا: در منطقه بگرام واقع در شمال کابل زنده گی داشتم شوهرم از اثر جنگ های طالبان کشته شد خانه ام هدف راکت قرار گرفته و با دختر کم یکجاسوخت، بخاطر نجات کود کم داخل شعله های آتش شدم، آتش مراهم دربرگرفت، نمی دانم چگونه نجات یافته ام، داغ های سوختگی هنوز روی گردن و چهره ام وجود دارد اما دختر کم نجات نیافت.

اکثر اوقات طفل دیگرم در کمپ اکوره ختک به حالت بسیار بدی زنده گی دارم کمک ها در اینجا بسیار و بسیار ناچیز است و آنهم حیف و میل اشخاص بنام نماینده گان و وابسته گان شان می شود خواهش من ایست که موسسات امداد رسانی مواد کمکی را خود به مهاجرین قسمت کنند تا حق به حقار برسد. نسرين:

خانه، زمین و باغ ما ترا در منطقه شکر دره شمال کابل طالبان آتش زدند دخترم را کشتند دیگر چاره یی نبود، مجبور به مهاجرت شدیم اینجا در کمپ اکوره ختک پناه آورده ایم، شوهرم ریش سفید است توان کار را ندارد طی یکسالی که به پشاور آمدم صرف مقداری گوشت قربانی و دودانه لحاف برایمان داده شده است و پس امروز پس از یکسال برای ما کارتی داده می گویند که با داشتن این کارت در آینده می توانیم مواد کمکی دریافت داریم. اعلی گل:

طالبان شوهر و پسر جوانم را بقتل رسانیدند، دختر چارده ساله ام رایه گلوله بستند که زخمی شد حاصلات روی زمین های ما ترا با خانه مان آتش زدند با پنج طفل و دختر زخمی ام زاد گاه مان در گلدره واقع در شمال کابل را ترک گفته به اینجا (کمپ اکوره ختک) مهاجر شدیم، شود.



مردم چی می گویند!

می گویند: کاش رهبران جناح های دعوت شده در اجلاس بن خود قدم رنجه می کردند و با حضور فیزیکی در اجلاس به درد ها و آلام های جانکاه ملت مظلوم افغان نقطه پایانی می گذاشتند، خدا کند این جنابان محترم فیصله های فرستاده گان شان را ارج و احترام گذارند و باز با کج بحثی ها و بهانه جویی های مروج قرار عادات شان توصل نجویند.

می گویند: زوال سریع طالبان، پوشالی بودن آن رژیم رابه گواهی می نشیند، رژیم های بدون پایه های مردمی را این عاقبت در پیش است، مدعیان قدرت در افغانستان باید پند گرفته باشند که داشتن زمین های وسیع در زیر سیطره نظمین کننده بقای حاکمیت هانیست، آنچه رژیم ها و قدرت ها را ماند گار می سازد قلب های مردم است که باید به آن جا کرد.

می گویند: یکتا از سران نیروهای جنگی در افغانستان مقدار هنگفت پول از کشور های عربی دریافت داشته و در تلاش است تا آنقدر از عرب های راکه داستان شان تا شان در خون ملت افغان آغشته است نجات بدهد و راهی را برای برون رفت به خیر و عافیت شان جستجو کند. می گویند: تعیین سرنوشت جنگ جوان و جنگ آوران...

دمزار شریف په قلعه جنگی کی:

پوخی دیپو کبني ميندلی وی تردی پرتنه خنگه ممکنه ده چی دری ورخی دی دومره

مقاومت و کړی. سیاسی کتونکی وائی چی: اصلاً په دی اسیرانو کی گي شمیر بهر نیان شامل وو هغوی پوهیدل چی ژوندی نه پریښودل کیږی نویی خکه په دی بلوا لاس پوری کوی. بلخوا داهم ویل کیږی چی ځائی چارواکو او امریکائی پوځونو ددوی دوزلو لپاره بلوا یوه پلمه کړه او هغوی ټول یی ووژل. یوبل خبروایی: دکندهار ښار او ځینی سیمی له جگړی پرته دشمال اتحاد په واک کی ورغلی او هلته میشته طالبان دجنرال رشید دوستم قواو ته تسلیم شول چی شمیر یی ۱۴۰۰۰ تنوته رسیږی په هغه کی دطالبانو مشران ملافاضل اوملاداد الله هم شامل دی



نیروهای خاص نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان

جدانی اهزاب ...

وی درباره کنفرانسی که در آلمان در مورد حل مسایل افغانستان صورت خواهد گرفت، گفت که دلایل معقولی وجود دارد که نتایج خوبی از این کنفرانس بروز کند مشروط بر اینکه شریکان این جلسات از حسن نیت و اخلاص کاریگیرند. ما برای موفقیت این جلسه دست بدعا هستیم چه راه دیگری برای حل قضیه افغانستان وجود ندارد. نامبرده اظهار تشویش نموده که اگر رهبران افغان این چانس طلایی را از دست دادند خون ریزی زیادی در افغانستان بوقوع خواهد پیوست و علاوه کرد که خون ریزی اخیر در افغانستان به نسبتی بوقوع پیوست که طالبان، اسامه بن لادن را به امریکا نسپردند و گفت که هدف اصلی امریکا از این حملات این نیست که امریکا کنترل افغانستان جنگ زده را بدست گیرد بلکه برعکس مقصد آنست تا اسامه و گروپ القاعده او را در افغانستان از بین ببرد. قاعد عوامی نیشنل پارتی بار دیگر خطاب به قدرت های داخلی افغانستان اظهار داشت تا باهم نشست و باقلب پاک و یاز و نیات نیک متقبل گردند که موفقیت کنفرانس جرمنی از جمله مسئولیت های درجه یک همین رهبران افغان بوده و می باشد.

خارجی در افغانستان حق مسلم مردم افغانستان است و اگر کسانی یا کشور های خواهان رهایی بی قید و شرط آنها هستند باید غرامت جنگی برای مردم آسیب رسیده افغانستان بپردازند تا ویرانی های را که این دسته های جنگ افروز در افغانستان سبب شده اند جبران گردد. می گویند: آنانی که دیروز نه تنها از ورود اتباع شان بخاطر قتل و خونریزی در افغانستان جلوگیری نمی کردند بلکه آنانرا تشویق و ترغیب هم می کردند امروز حق ندارند که برای نجات جانباين به دامن هراس زمان و مؤسسه یی دست ببندارند.

کانفرانس بن کشایش یافت

صحبتی از اجلاس بن و راه اندازان ان اظهار سیاس نموده آرزو کرد که باید افغانها به قهرمانان میدان صلح مبدل شوند، به تعقیب وی نماینده گان سایر جناح های مذاکره ضمن بیانات شان از طرح سازمان ملل اظهار پشتیبانی نمودند، قرار اطلاعات واصله اشتراک کننده گان کنفرانس روی سه اصل اساسی تشکیل حکومت انتقالی تدویر لویه جرگه اضطراری برای گزینش حکومت مؤقت و همچنان تدویر لویه جرگه و یاراد اندازی انتخابات بعد از دوسال طی روز اول نشست شان به توافق رسیده اند. قرار است کار کنفرانس سه الی پنج روز ادامه یابد.

IN THIS ISSUE

1. Bonn conference is expanded Page 1
2. Eye witnessed from Kabul Page 1
3. Separation of parties in Awami National ... Page 1
4. News from Kandahar and Mazar-e-Sharif Page 1
5. Interview with Mr. Samim, the well-known .. Page 1
6. Editorial (Tajik and Pashton issue in literat...) Page 2
7. United Front has initiative to act so far Page 2
8. The sinner nation Page 2
9. Blinded opposition against US Page 3
10. What is liberalism? Page 4
11. Open litter to Kofi Anan Page 4
12. Poems versus literacy and a short novel... Page 5
13. The present series of prejudice Page 7
14. What the people say Page 8
15. Stories and angriness from immigration Page 8

ERADA

Weekly, Independent publication
Publisher: Afghan Media Resource Center
Founder: Sayed Daud
Chief Editor: Atiqullah Pazhwak
Assistant: Mia Gul Arawal - Editor: Zuhoor Afghan
Add: House#2, Canal Bank Road, U.P.O. Box No.909 University Town, Peshawar, Pakistan.
Tel: (92-91) 41691 Fax: 841785
E-mail: amre@brain.net.pk
Subscription Rate:
In USA, Europe & Australia 60 US\$
Regional Countries 30 US\$
Pakistan Rs. 200
US\$ A/C No. 01801406
Bank Al-Falah Ltd. 6-B. Islamia Road, Peshawar Cantt.
You can remit your donations to the above account No.

اراده

د مقالو په انتخاب کې واکمنه ده. هره مقاله د لیکوال د نظر څرگندونه کوی. را رسیدلی مقالې پېرته نه ورکول کېږی. د گډون کلنی بیه: په امریکا، اروپا او استرالیا کې: ۶۰ امریکایي ډالر د سیمې په هیوادونو کې: ۳۰ امریکایي ډالر په افغانستان کې: ۲۰۰۰۰ افغانی په پاکستان کې: ۲۰۰ کلداری د شپې مېشتو لپاره نیمه بیه. د پوستی لگښت د ادراي په غاړه ده. د یوې گڼې بیه: ۳ روپۍ A/C US\$ 01801406 الفلاح بانک، ۶ ب، اسلامیه روډ، پېښور د لاس ته راوړلو خاڼونه د پېښور ټول اخبار پلورنځی